





سلام



« اعتماد » چرا و چگونه؟

جلسه هفتم — ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

پرسش ۱:



« عمدی » یعنی چه؟

« **عمدی** » هر « **کاری** » است که

انسان با « **إرادة قلبی** » و محاسبات شناختی «

و با « **غرض** و منظور خاصی » انجام می‌دهد،

و در برابر « **موانع** » آن، « **مقاومت** » می‌کند.

پس کار عمدی، « **ناخودآگاه** و **سهوی** » نیست:

وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا **مُتَعَمِّدًا** فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ ... (نساء/ ٩٣)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

لَا تَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ **مُتَعَمِّدًا** فَجَزَاءُ ... (مائده/ ٩٥)

... وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ

وَلَكِنْ مَا **تَعَمَّدَتْ** قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (أحزاب/ ٥)

أَنَا الَّذِي عَصَاكَ **مُتَعَمِّدًا**. (دعای ۴۷ صحیفه سجادیه)

پس هیچ « مانعی »،

(چه: علمی، عاطفی، مادّی، معنوی، چه: درونی و چه: بیرونی ...)

هرگز نمی‌تواند از « کارِ عمدی » با پشتوانه

« ارادهٔ قلبی » و « محاسبهٔ شناختی »،

و « غرض و منظور ثابت » جلوگیری کند.

پس « وای و ویل » بر نماز گزارانی که

« سهوی » نماز می گذارند (و بی توجه عُمرشان را تلف می کنند):

فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ (۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (مَاعُونَ/۵)



«نُفَرَتِ خُداوند» از کیست؟

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ

الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ. (ذاریات/ ۱۱)

مرگ بر دروغ پردازان * آنها که در ورطه: غفلت، نادانی، حیرت،
و انحطاط، لهو، جهل، شرک، کفر و تکذیب حق و انواع پستی،
«ناخودآگاه و بی خود و بی جهت» عمرشان را تلف می کنند.

« عَمَد » یعنی چه؟

« عَمَد »،

« اسکلت » و « پایه‌هائی محکم »،

و « عواملی ثابت » (مرئی یا نامرئی) هستند،

که « استحکام و استقرارِ یک مجموعه » را

از هر « تکانه و آسیبی » حفظ می‌کنند:

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ **عَمَدٍ** تَرَوْنَهَا

ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (رعد/٢)

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ **عَمَدٍ** تَرَوْنَهَا

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (لقمان/١٠)

إِرمَ ذاتِ **الْعِمَادِ** (فجر/٧)

پرسش ۲:



چه چیزی «عَمَد» لازم دارد؟

هر « دَکَل، بِنَا، بُرَج، مِینَارَه و سازه‌های » در جهان،

باید « عَمَداً » و از « درونِ » خود،

با « عَمَدَهای مستحکمِ » خود « عَمُود » باشند،

و هیچ « انحرافی » از « تَرَاژ ؟؟؟ » نداشته باشند،

تا همواره و در هر شرائطی « استوار » بمانند: ¹⁹

HEIGHT 46m / 150ft



1881

خواستگارانها و افراد خانواده و جامعه هم،
باید به « اصول ثابتی »، « اعتماد » داشته باشند،
تا « پیوندهای عاطفی و روابط اجتماعی » آنها،
« مستحکم » و قابلِ « اطمینان » باشند.
و با هر حادثه‌ای، تیره و تار و از هم گسسته نشوند.

لذا حضرت رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ می فرمایند:

لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ...

(بحار الأنوار: ج ۱/ص ۲۱۶/ح ۳۰)

هر مخلوقی، اسکلتی (نگهدارنده و متعادل کننده) دارد ...

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ

الْفَقَهُ. (بحار الأنوار: ج ۱/ص ۲۱۶/ح ۳۰)

یعنی:^{۲۳} بدون تلاش مستمر برای «دین شناسی»، دین پابرجا نمی ماند.

و حضرت إمام باقر صلوات الله عليه هم می فرمایند:

الرُّوحُ عِمَادُ الدِّينِ،

و الْعِلْمُ عِمَادُ الرُّوحِ،

و الْبَيَانُ عِمَادُ الْعِلْمِ (الاختصاص/ ۲۴۵)

یعنی: افرادِ « مُرَدَّةٌ و نادان و بی بصیرت »، نمی توانند « متدین » باشند.

پرسش ۳:



چه «چیزی»، «عماد» لازم ندارد؟

چون فقط « **هستی** »،

تمامِ « **هستی** » را پُر کرده،

و چون « هستی مطلق »، « **صمد** و **عزیز** » است،

و هیچ چیزی وجود ندارد که او را « **تهدید** » کند،

لذا ²⁷ « **هستی** مطلق » هیچ نیازی به « **عماد** » ندارد:

دعای حضرت امیر المومنین

يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ

ای تکیه گاه کسی که تکیه گاه ندارد



جلسه قبل گفتیم هر « **جماد** و **گیاه** و **حیوانی** »،

با همان « **خصوصیاتی** » که به « **دنیا** » می آید،

با « همان خصوصیات » از « **دنیا** » می رود.

اما برای هر « **انسانی** » این احتمال زیاد هست که

با²⁹ هر حادثه‌ای، به پائین تر از حیوان « **سقوط** » کند.

پرستی ۴:



« عواملِ مخربِ » کدامند؟

تمام « **کوه‌ها** » و تمام « **سازه‌های بشری** »،

(مثل: پُل‌ها، برج‌ها، سدها، کاخ‌های عظیم و ساختمانهای شهری و روستائی)

معمولاً با « **عوامل بیرونی** » (قوی‌تر از عِماد خود)،

مثل: باد، باران، سیل، زلزله، بهمن، طوفان، سونامی ...

« **خراب** » و « **نابود** » می‌شوند:





پرسشی ۵:



تنها «عامل سقوطِ انسان» چیست؟

تنها « **عاملِ سقوطِ انسان** »،

و « **عامل اصلی** » در به هم خوردنِ « **تعادل** » او،

« **هوای نفس و تمایلات غریزی** » خودِ اوست،

که فقط با « **اعتماد** » (باب إفعال = پذیرش ثبات) « **عقل** »،

عاقلانه « **مهار** » و مؤمنانه « **مدیریت** » می‌شوند.

پرسش ۶:



« اعتماد » یعنی چه؟

« **اعتماد** »، یعنی:

خود را در معرض « إِعْوَجاَج و انحراف » دیدن،

و به چیزی که « **ثَبَاتِ ذاتی** » دارد،

و هیچ انحرافی ندارد « **مُتَّکی** » شدن.

« قوم عاد » و « فراعنه » با اینکه بناهایشان « عماد » داشت،
اما چون « خودشان » به « اصل ثابتی » اعتماد نداشتند،
« هلاک » و « غرق » و « نابود » شدند:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ؟ (٦)

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (فجر/ ٧)

مگر ندیدی خدایت با قوم عاد چه کرد؟ با آن کاخ و ستونهای استوارشان.

پرستی ۷:



« تنها راه اعتماد به خدا » چیست؟

« صدقِ أنبياء و مرسلين » صلوات الله عليهم،

و « صدق قرآن » (که تنها راه شناختِ خدا یند)،

و در نتیجه « اعتماد » به « خالقِ متعال »،

فقط با « اعتماد به عقل » حاصل می‌شود.

پس بدونِ «**اعتماد** به **عقل**»،

هیچ راه دیگری برای

«**اعتماد** به **خدا**» وجود ندارد.

پرستی ۸:



« عمل صالح چيست؟ »

« **عمل صالح** »،

« هر سخن » و « سکوت » و « رفتاری » است که:

با « **اعتماد** » به:

« مبانی و اصول و تشخیص عقلی و منطق فطری »،

و متناسب با « **شرائط** » خودِ فرد « **ابراز** » می‌شود.

این « **اعتماد** مؤمنانه »،

عامل تحقق « **حیاتِ طیبہ** » است:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتَهُ طَيِّبَةً ... (نحل/۹۷)

« ثَمَرَةُ اعْتِمَادٍ بِهِ رَسُولٌ بَاطِنِي »،

مفاهمه، همدلی، همسوئی، انسجام،

هماهنگی، همکاری و وحدت میان مردم،

و عامل پیدایشِ « أُمَّتٍ وَاحِدَةٍ اِسْلَامِي » است.

افرادِ « عاقل » و « صالح » و « مؤمن »،

خودشان « عمود دین » و « میزان » و اسبابِ « تراز » اُمّت‌اند:

لذا در زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه عرض می‌کنیم:

.... **السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ** ... (بحار/ج ۱۰۰/ص ۳۲۱)

و همان حضرت درباره خاندان نبوت صلوات الله علیهم می‌فرمایند:

.... **هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ** ... (خطبه ۲/)

پریشانی ۹:



« عوارضِ بی‌اعتمادی به عقل »

کدامند؟

بدونِ «**إِعْتِمَاد** به **عقل**»،

«**بصیرتِ لازم**» برای «**امیدواری**» به «**آینده**»،

و «**انگیزه کافیه**» برای «**جهاد**» در مسیرِ «**حقّ**»،

و «**تفاهم، همدلی، هماهنگی، همکاری و وحدت**» رُخ نمی‌دهد،

و افرادِ «**قابلِ اطمینان**» نخواهند بود و «**تکروی**» زیاد می‌شوند،

و هیچ «**تفکّر، تعقّل، توکّل، تعبّد، تدبّر و سعی مفیدی**» پدید نمی‌آید.

« **بی اعتمادی** به **عقل** »، عاملِ « **چهار ضایعه** » است:

۱- ... **لا یَرْجُونَ لِقَاءَنَا**،

۲- **وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا**،

۳- **وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا**،

۴- ... **عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ** (یونس/۷)

پرسش ۱۰:



محصولِ «اعتماد به عقل» چیست؟

« ثمرهٔ اول »:

« ثمرهٔ درونی اعتماد به عقل »

دستیابی به:

« عزیم و اراده » است.

پریشی ۱۱:



« اراده » چیست؟

به «بر آیندِ»:

تمام «دارائی‌های» علمی و معرفتی یک فرد،

که در «خواستِ» آگاهانه او «تجلی» پیدا می‌کند،

و باعث می‌شود او به کار و موقعیت جدیدی «وارد» شود،

«اراده» گفته می‌شود.

البته بر مبنای اینکه « **علم** و **معرفت** » هر فرد،

فقط « **حسی** » و « **ظاهرینانه** »،

و یا « **عاقلا نه** » و « **حق بینانه** » باشد،

« **اراده** » او « **دنیوی** » یا « **آخرتی** » خواهد بود:

اول: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ (١٨)

دوم: وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ ... (إِسْرَاءُ/١٩)

أول: ... إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

وَزِينَتَهَا ... (أحزاب/٢٨)

دوم: ... وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

وَالدَّارَ الْآخِرَةَ ... (أحزاب/٢٩)



خدایا؛

ما را در «**اعتماد**» به «**رسولِ باطنی**» یاری کن،

تا «**إرادهای مؤمنانه**» در ما تجلّی پیدا کند،

و از «**ظاهرینی**» و «**دنیاگرایی**» بپرهیزیم،

و در زمینه‌سازیِ ظهورِ آخرین حجّت سهریم باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

